التشبه بالکفار و التبعیة لهم

به نام خدا

مهدی همتی سزنقی

التشبه بالکفار و التبعیة لهم

آیة الله سید محسن خرازی (حفظه الله) ، مجله عربی فقه اهل البیت (علیهم السلام) شماره
0
55. ص

نویسنده محترم در این نوشتار در صدد بررسی حکم فقهی تشبه بتهوضیح مختصر موضوع مقاله :
کفار و تبعیت از آنها می باشد . ایشان در گام اول به طور ضمنی این نکته را متذکر می شوند
که تشبه به کفار دارای سه قسم است که حکم هر کدام باید به طور جداگانه بررسی شود :
1. تشبه به کفار به انگیزه ی دخول در زیّ
آنها و خروج از زیّ مسلمانان . 2. تشبه به کفار به قصد
تشبه و تبعیت از آنها .
3. تشبه به کفار بدون قصد تشبه به آنها و تبعیت از آنها .
سپس محقق محترم به بررسی حکم این اقسام می پردازند :
ایشان حرام بودن قسم اول را بی اشکال دانسته و آیات و روایات بسیاری را
دال بر آن می داند . در مورد قسم دوم هم حکم به حرمت کرده و علت آن را موجب گمراهی و فساد
شدن تبعیت از کفار می داند و آیاتی را که از آنها این حکم استفاده می شود ، بیان می نماید
. سپس ایشان به شکل مفصل به بحث از حکم
قسم سوم می پردازد و روایات دال بر منع از این قسم را مورد بررسی قرار می دهند .(ایشان
هشت طائفه از این روایات را که در مصادیق مختلفی از تشبه به کفار وارد شده اند را مورد
بحث قرار می دهند). و به این نتیجه می رسند که : تشبه به کفار بدون قصد تبعیت از آنها
مکروه است و شاید علتش این باشد که تشبه به کفار ولو بدون قصد تبعیت از آنها تدریجاً
موجب تبعیت فکری ناخواسته از آنها می شود . حضرت آیت الله خرازی (حفظه الله) بعد از بیان
حکم این اقسام سه فرع را هم بیان می نمایند .

محقق محترم ظاهراً در حکم کلی تشبه به کفار متعرض اقوال علماء دارقوال وسوابق تحقیق :
این زمینه نشده اند ولی در ضمن بررسی طوائف هشتگانه ی روایات دال بر منع از تشبه به کفار
، اقوال برخی از فقهاء را در خصوص مصداق مورد بحث ذکر می کند مثلا در بحث تکفیر در نماز
به این نظرمحقق حلی ، ابو الصلاح ، صاحب جواهر ، محقق حکیم ، محقق خویی (علیهم الرحمة)
اشاره می کند .

1 / 2

التشبه بالکفار و التبعية لهم

اگر تشبه به کفار به قصد دخول در زی آنها و خروج از زی مسلمانان و یا بهمدعای نگارنده : قصد تبعیت از آنها در این امور باشد ، حرام است لکن اگر صرف تشبه باشد بدون قصد دخول در زی آنها و نه تبعیت از آنها ، در این صورت حرام نیست گر چه مکروه می باشد .

از آنجایی که مدعای نگارنده در بر دارنده ی حکم سه قسم است ، ادله ی هرادله ی نگارنده : قسم را به تفکیک ذکر می کنیم :

1. حرمت قسم اول : اگر شخص ملتفت باشد که این کار او عدول از اسلام است ، که موجب ارتداد می شود و الا روایات و آیات بسیاری از جمله آیه 115 نساء بر حرمت آن دلالت می کنند .

2. حرمت قسم دوم : آیات و روایاتی بر حرمت آن دلالت می کنند مانند آیه 49 سوره مائده : (وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ احْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ ما أَنْزَلَ اللهُ إِلَيْكَ) و آیات دیگری که دال بر این هستند که تبعیت از کفار موجب گمراهی و فساد است .

3. کراهت قسم سوم : ایشان کراهت این قسم را از طوائف هشتگانه روایاتی که درباره مصادیق این قسم در موارد مختلف وارد شده ، برداشت می کنند . آن طوائف هشتگانه عبارتند از : 1. ما ورد فی النهی عن التکفیر . 2. ما ورد فی الامر بتغییر الشیب . 3. ما ورد فی الامر بکنس الافنیة . 4. ما ورد فی الشوارب و اللحی . 5. ما ورد فی الابسة و الاطعمة . 6. ما ورد فی کراهة الاتّزار و التوشح . 7. ما ورد فی کراهة الاکل عند أهل المصیبة . 8. ما ورد فی التصلیب .

1. پوشیدن لباسی که دارای نقش صلیب و مانند آن می باشد : به قصد تبعیت ، حرامفروع مسألة : است و به قصد زینت مکروه . البته این حکم در صورتی است که عنوان ثانوی حرامی مانند ترویج مسیحیت بر آن منطبق نباشد .

2. از عبارت « فیکونوا أعدائي کما هم أعدائي » در روایت استفاده می شود که تشابه صرفی که منجر به تبعیت فکری شود ، مکروه است و الا استفاده کردن از امکاناتی که کفار آنها را ایجاد کرده اند اگر منجر به تبعیت فکری نشود ، چه بسا که مشمول روایت نباشند .

3. حکم تابع بقاء موضوع است بنابراین اگر فعلی در عصری از مختصات کفار بودن خارج شود ، حرمتش نیز برداشته می شود .

2 / 2